



جغرافیا و روابط انسانی، پاییز ۱۳۹۹، دوره ۳، شماره ۲

ردیابی الگوی اسلامی-ایرانی شهرسازی مشارکتی در آراء ابونصر فارابی

محمدجواد حیدری

دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه

هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶

چکیده

سودای تشکیل آرمان شهر یکی از وجوه اشتراک مردمان اکثر فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف می‌باشد. در جهان اسلام نیز، حکیم ابونصر فارابی، اولین فیلسوفی بود که ایده آرمان شهر یا مدینه‌ی فاضله را ارائه کرد. وی که به منظور تبیین ایده‌ی خود از مثال جسم سالم انسان بهره می‌گیرد، یکی از عوامل اصلی در دستیابی به مدینه‌ی فاضله را مشارکت و تعاون اعضای آن می‌داند. اصلی که بی‌توجهی به آن را می‌توان یکی از علل اصلی شکست طرح‌های شهری در کشور دانست. در این طرح‌ها که گردهای از الگوهای غربی منسوخ شده می‌باشند، به مشارکت شهروندان در طول فرآیند تهیه و اجرا توجه نمی‌شود. حال آن‌که مشارکت شهروندان، نه تنها تضمین‌کننده‌ی موفقیت طرح‌ها می‌باشد، بلکه هزینه‌ی اقتصادی اجرای آن‌ها را نیز کاهش می‌دهد. موضوعی که فارابی قرن‌ها پیش، اهمیت آن را متذکر شده و آن را از عوامل اصلی در شکل‌گیری مدینه‌ی فاضله می‌داند. بنابراین در این مقاله، به بررسی موضوع مشارکت شهروندان در امور شهری از دیدگاه فارابی پرداخته شده است، تا ضمن تبیین اهمیت این موضوع، به ردیابی و ارائه‌ی الگوی اسلامی-ایرانی شهرسازی مشارکتی از نظر فارابی اقدام گردد. فارابی عدالت‌خواهی، اخلاق‌مداری، تعاون، شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران، جهان‌شهری اندیشیدن، جامعه‌پذیری و اطاعت از زعیم مدینه را از راه‌های مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها می‌داند. بر این اساس، روش پژوهش حاضر، تاریخی، توصیفی و تحلیلی بوده و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات مبتنی بر روش اسنادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت، فارابی، آرمانشهر، مدینه‌ی فاضله، شهرسازی مشارکتی.

۱. بیان مسأله

مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها پدیده‌ی نوینی نیست. بلکه در طول تاریخ با ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان پیوند داشته است. ریشه‌های تاریخی مشارکت شهروندی را می‌توان به دولت-شهرهای یونان باستان نسبت داد (حسینی، ۱۳۹۲: ۴۲). استدلال ارسطو بر این بود که کسی که در اداره‌ی امور جامعه، شرکت نداشته باشد، یا حیوان است یا خدا. فرد برای این که یک انسان واقعی باشد، بایستی یک شهروندفعال در جامعه‌اش باشد (کلارک، ۱۹۹۴: ۶). در تمدن رومی نیز رگه‌های مشارکت شهروندی در حدّ نخبگان سیاسی مشاهده می‌شود و توده‌ی مردم نقشی در جامعه‌ی سیاسی نداشته‌اند (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۰: ۲۷). در کشور ما ایران نیز حکومت‌های پدرسالارانه‌ای که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام مقدّس جمهوری اسلامی حکمروایی کرده‌اند، اعتقادی به حکومت مردم‌سالار و مشارکت اجتماعی مردم نداشتند. با این حال فرهنگ نوع‌دوستی و تعاون حاکم بر جامعه، موجب شکل‌گیری ارگان‌های مردم‌نهادی می‌گردید که رسالت اصلی آن‌ها، حمایت از هم‌نوعان بود.

با ورود اسلام به ایران و بالندگی فقه و فلسفه‌ی اسلامی، دستیابی به جامعه‌ی آرمانی مورد توجه برخی از حکمای مسلمان هم‌چون فارابی قرار گرفت. وی که برای اولین بار ایده‌ی مدینه‌ی فاضله را در حکمت اسلامی مطرح می‌نمود، تعاون، عدالت، محبت و الفت، زندگی مسالمت‌آمیز را از ویژگی‌های اصلی مدینه‌ی فاضله برمی‌شمارد و معتقد است دستیابی به آن زمانی امکان‌پذیر است که شهروندان با یکدیگر انس و الفت داشته و در امور مختلف جامعه با یکدیگر و با زعیم مدینه‌ی فاضله همکاری نمایند. فارابی، اولین فیلسوف در جهان اسلام بود که با الهام از آرای حکمای یونان باستان و ممزوج نمودن آن با شریعت اسلام، ویژگی‌ها و اصولی را برای مدینه‌ی فاضله ارائه کرده است که در اغلب آن‌ها بر نقش و اهمیت شهروندان در خلق و تداوم حیات آرمان‌شهر تأکید شده است. همچنین تعریف وی از مدینه فاضله نیز امیخته با اصل اساسی می‌باشد. «مدینه‌ی فاضله شبیه بدن کامل و سالم انسان است که اعضای آن جهت تکمیل و تداوم حیات موجود زنده با یکدیگر یاریگری می‌کنند» (فارابی، ۱۳۶۶: ۸۳). یا «مدینه‌ی فاضله، اجتماعی است که افراد آن سعادت را می‌شناسند و در اموری که آن‌ها را به این غرض و غایت برساند، با یکدیگر تعاون و همکاری دارند» (داوری‌اردکانی، ۱۳۸۲: ۱۷۰). از دیدگاه فارابی مدینه‌ی فاضله، وسیله‌ای ایده‌آل برای رسیدن انسان به کمال، سعادت و خلود نفس است؛ با این شرط که شهروندان آن با یکدیگر تعاون و همکاری داشته باشند. به‌طور کلی می‌توان گفت که معلّم ثانی دستیابی به مدینه‌ی فاضله‌ی را در گروه مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها و اداره‌ی امور شهر می‌داند. مفهومی که امروزه در متون شهرسازی با عنوان شهروندفعال از آن یاد می‌شود و عامل اصلی در عدم تحقق طرح‌های شهری در رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده می‌باشد. گو این که فارابی از پس قرن‌ها، نسخه‌ای برای شهرهای عصر شهر پیچیده است. لذا پژوهش حاضر بر آن است با ردیابی ویژگی‌های شهروندفعال در آثار و آراء فارابی و تبیین نقش و اهمیت مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور جوامع شهری، به ارائه‌ی الگویی اسلامی-ایرانی از شهرسازی مشارکتی همّت‌گمارد.

۲. اهداف، پرسش‌ها و روش پژوهش

اهداف هر تحقیقی مبین اهمیت انجام آن تحقیق می‌باشد. بر این اساس اهمیت تحقیق حاضر را که برآمده از اهداف غایی انجام آن می‌باشد، از دو جنبه می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد: اول، از نظر تبیین نقش مشارکت شهروندان در مدیریت شهرهای کشور و اهمیت آن در شکل‌گیری شهرهای انسان‌محور و دوست‌دار انسان (آرمان‌شهر). دوم، از نظر نقش والای انسان در اندیشه فارابی و محوریت او در پدیدآمدن مدینه فاضله. زیرا فارابی معتقد است برای دست‌یابی به مدینه فاضله، علاوه بر آن که زعیم مدینه فاضله باید شایق به کمالاتی باشد، در مقابل شهروندان نیز تکالیفی بر ذمه دارند که در صورت رعایت آن‌ها، ره به سعادت خواهند برد. بر این اساس، سوالات مطرح در تحقیق حاضر عبارتند از:

۱- مدینه فاضله فارابی دارای چه صفات و خصوصیات می‌باشد؟

۲- از نظر فارابی، شهروندان چگونه می‌توانند در اداره امور شهرها مشارکت نمایند؟

روش پژوهش حاضر، تبارشناسانه (تاریخی)، پدیدارشناسانه (توصیفی) و ژرف‌کاوانه (تحلیلی) می‌باشد. بر این اساس، ابتدا به جمع‌آوری و مطالعه و فیش‌برداری از اسناد تاریخی، آثار فارابی و منابع مرتبط، اقدام شد، سپس در راستای نیل به هدف پژوهش مطالب مرحله‌ی قبل ترکیب، جمع‌بندی و تحلیل گردید. روش گردآوری داده‌ها نیز به پیروی از ماهیت پژوهش، روش کتابخانه‌ای می‌باشد. در این پژوهش در راستای پاسخگویی به سوالات تحقیق، ضمن انجام مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی آثار حکیم فارابی، به بررسی تطبیقی آثار مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته شده است تا امکان مطالعه‌ی همه‌جانبه‌ی موضوع فراهم آید.

۳. چارچوب نظری تحقیق

مشارکت در معنای لغوی آن، به همکاری کردن و درگیر شدن در یک فعالیت اطلاق می‌شود (Oxford, 2003). مشارکت در عرصه‌ی مطالعات شهری، بر اهدافی ناظر است که جنبه‌ی داوطلبانه، آگاهانه، آزادانه، مسئولانه و فعالانه داشته و از سازوکارهای اعمال قدرت به شمار می‌رود. از دهه‌ی ۱۹۵۰ مفهوم مشارکت به منزله‌ی مفهومی مهم در مباحث اجتماعی و شهری مطرح شد. زیرا شکست برنامه‌ها و طرح‌های شهری در دستیابی به اهداف خود، این تصور را تقویت کرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها، زمینه‌ی ناکامی آن‌ها را فراهم می‌کند. بر این اساس، پارادایم شهرسازی مشارکتی شکل گرفت. پارادایمی که در مقابل شکست روزافزون طرح‌های مدرنیستی و آمرانه، مشارکت شهروندان را تضمین‌کننده‌ی موفقیت طرح‌ها و برنامه‌ها معرفی می‌کرد.

در حالی که قرن‌ها پیش از طرح مفهوم مشارکت شهروندی در مغرب زمین، اندیشمندان ایرانی-اسلامی همچون ابونصر فارابی ضرورت توجه به این رویکرد را در آثار و اندیشه‌های خود مطرح کرده و آن را ضامن بقای جامعه معرفی نموده‌اند. وی در این زمینه، در کتاب "آراء اهل المدینه الفاضله" واژه‌ی «تسالم» را به کار می‌برد که به معنی همزیستی مسالمت‌آمیز است و به‌طور بالقوه بر موضوع مشارکت تأکید می‌کند و پیشبرد امور مردم را محتاج به معاونت و کمک امت و ملت به یکدیگر می‌داند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴).

۴. پیشینه‌ی تحقیق

سیدرضا مدرسی در مقاله‌ی "اخلاق در مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی"، معتقد است فارابی راه رسیدن به سعادت و کمال را در زندگی جمعی تحت ریاست حکیم فاضل که دارای صفات ویژه‌ی اخلاقی است، می‌داند و وظیفه‌ی اهالی مدینه را در اطاعت محض از ریاست مدینه دانسته است. از نظر وی، اخلاق در همه‌ی ارکان مدینه‌ی فاضله، یکی از امور اساسی به شمار می‌رود (مدرسی، ۱۳۹۱: ۷۵).

قاسم مقدم و محمدرضا محمدی‌اشیانی در مقاله‌ای با عنوان "ابتنا‌ی مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی بر اصالت انسان متصل به وحی"، آورده‌اند: «انسان در مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی اصل است و تمام ساختارهای مدینه بر پایه‌ی معرفت عقلانی و وحیانی به ساحت‌های وجودی او شکل گرفته است. این اصالت انسان در اندیشه‌ی فارابی به هیچ وجه به معنای اصالت انسان مستقل نیست تا او را به مثابه‌ی موجودی منقطع از مبادی خود فرض کند و جامعه را بر همین اساس بنا سازد. اصل بودن انسان در اندیشه‌ی این فیلسوف بر فصل ناطقیت انسان تأکید دارد. از این رو مدینه‌ی فاضله‌ی وی، هم در بُعد اخلاق، قانون، فرهنگ، معرفت و هنر و هم در تعریف مفاهیم کمال و سعادت، کاملاً بر اساس دو الگوی عقل و وحی شکل گرفته است، تا انسان را از گذر زندگی روزمره در مدینه به سعادت مورد نظر فیلسوف و نبی سوق دهد» (مقدم و محمدی‌اشیانی، ۱۳۹۵: ۵۱).

گالیا کورمانگالیوا و اصلان آذربایف در مقاله‌ای با عنوان "مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی و مفهوم امروزی آن" معتقدند که فارابی، اندیشمند بزرگی است که قرن‌ها پیش ایده‌ی مدینه‌ی فاضله‌ای با مبانی بسیار محکم و استوار را ارائه داد؛ که در دنیای معاصر نیز به عنوان الگویی برای توسعه‌ی پروژه‌های پایداری سیاسی در مناطق ناپایدار و سکونتگاه‌های اجتماعی و درگیری‌های مذهبی مورد استفاده قرار گیرد. اخلاق در مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی نقش مهمی را ایفا می‌کند. فارابی فیلسوفی بود که اخلاقیات را توسعه داد و بر نقش آن در توسعه‌ی فرهنگ‌های شهری تأکید کرد (کورمانگالیوا و آذربایف، ۲۰۱۶: ۸۸).

دکتر پی‌یر نانو در بخشی از مقاله‌ی "مفهوم اخلاق در شهر" نوشته است؛ متفکران و فیلسوفان زیادی در غرب و شرق جهان، به مفهوم آرمان‌شهر و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. ولی ایده‌ی آرمان‌شهر فارابی وجه افتراق عمده‌ای با نظرات اسلاف خود، حتی افلاطون - که فارابی نظریه‌ی خود را به نوعی وامدار او می‌باشد - دارد و آن تأکیدی است که وی بر اخلاق و اخلاق‌مداری در شهر آرمانی خویش دارد (نانو، ۲۰۱۲: ۳۷).

دکتر محمدمنصور فلامکی در کتاب "فارابی و سیر اندیشه‌ی شهروندی در ایران" آورده است: مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی به کیفیت‌های اجتماعی و اداری، به کمال و به گونه‌ای که تنها زاده‌ی دست معلم ثانی تواند بود، به شکلی بلافصل اشاره می‌کند. ولی زمینه‌ای برای شناخت فضای مکانی را که آن کیفیت‌های اجتماعی-اداری درون‌اش تحقق می‌یابند، به دست نمی‌دهد. اما این نه اشکالی برای همگان که مسأله‌ی خاص برای کسانی است که بخواهند فارابی را با افلاطون و سنت آگوستین و یا با توماس مور یا شارل فوریه مقایسه نمایند (فلامکی، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

۵. ضرورت تشکیل اجتماع از نظر فارابی

فارابی در مقام بیان ضرورت تشکیل اجتماعات انسانی، همچون ارسطو می‌گوید که انسان طبعاً و فطرتاً اجتماعی است و اجتماعی بودن او را برای بقا و پایداری زندگی انسانی، حتمی و ضروری می‌داند. در واقع فارابی معتقد است؛ آن‌چه انسان را به تکاپو می‌افکند و به زندگی گروهی می‌کشاند نیازهای طبیعی اوست. انسان‌ها بدون یاری دیگران نمی‌توانند نیازهای خود را ارضا کنند و این امر، جز از طریق روابط اجتماعی امکان‌پذیر نیست. بنابراین انسان برای بقای خود به چیزهای بسیار نیازمند است که به تنهایی از عهده‌ی انجام آن‌ها بر نمی‌آید، بلکه نیازمند به گروهی است که هر یک، نیازی از نیازهای او را برآورده سازد. تمام افراد جامعه دارای چنین وضعیتی هستند. از این رو آدمی به کمال فطری نمی‌رسد؛ مگر به مدد اجتماعاتی که در امور، مددکار یکدیگر باشند و در رفع نیازهای یکدیگر اقدام کنند تا هم جامعه برپا باشد و هم به کمال برسد (فارابی، ۱۳۸۵: ۲۵۱). فارابی جامعه را به موجودی زنده تشبیه می‌کرد. همان‌گونه که هر یک از اعضای بدن دارای وظیفه‌ی خاصی است، اعضای جامعه هم دارای نقش‌های مشخص می‌باشند. بنابراین از نظر فارابی جامعه دارای ساختی طبیعی است و اختلافات طبقاتی از ذات با فطرت افراد مایه می‌گیرد. به عبارت دیگر، سازگاری اجتماعی وقتی تحقق می‌یابد که افراد از نظر مراتب اجتماعی تفاوت‌هایی داشته باشند و برخی، برخی دیگر را مسخر اراده‌ی خویش گردانند (یوسفیان، ۱۳۷۰: ۲۱). فارابی یکی از نخستین فلاسفه‌ی مسلمان می‌باشد که درباره‌ی انواع مراکز جمعیتی و مجتمع‌های زیستی دیدگاه‌های خود را به صورت طبقه‌بندی شده ارائه داده است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۲: ۵۰). او در کتاب "آراء اهل المدینه الفاضله" بیان کرده است: اجتماع وسیله است؛ نه هدف. هدف رسیدن به کمال است که سعادت دنیا و آخرت بدان تأمین شود (بیات، ۱۳۹۳: ۱۴۳). فارابی نظام اجتماعی خود را بر اساس «عالم اکبر» و «عالم اصغر» نهاده است و برای برپا بودن اجتماع، وجود معلم را که همان امام باشد، ضروری می‌داند. چنان که می‌دانیم در تشیع اعتقاد بر این است که باید امام بر اجتماع اشراف کامل داشته باشد. بنابراین گرایش کامل شیعی در فلسفه‌ی سیاسی او آشکار است (مشکات، ۱۳۸۷: ۴۱۷). هانری کوربن می‌گوید: «درست خواهد بود که بگوییم شهریار که فارابی همه‌ی فضایل انسانی و فلسفی را به او عطا کرده، همان افلاطونی است که قبای محمد (ص) را بر تن کرده است» (کوربن، ۱۳۸۰: ۲۳۲) و برخی دیگر نیز معتقدند مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی در واقع همان مدینه‌ی انبی می‌باشد که آن را با دید فلسفی و در قالب آرمانشهری بازسازی کرده است (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۰). معلم ثانی، انواع اجتماعات را بر حسب ترکیب، پیچیدگی و تنوع روابط درونی به دو نوع تقسیم می‌کند:

الف) اجتماعات کامل: فارابی اجتماعاتی که مردم آن قادر به مرتفع کردن نیازهای خویش باشند را اجتماع کامل می‌داند. وی این‌گونه از اجتماعات را به سه دسته تقسیم می‌کند:

جامعه‌ی عظمی: عبارت است جوامعی که از ملت‌ها و امت‌های بسیاری تشکیل شده و همه یاری‌گر همدیگر باشند و در قسمت آباد زمین سکنا داشته باشند.

جامعه‌ی وسطی: جامعه‌ای است که از اجتماع یک ملت در بخشی از قسمت آباد زمین به وجود آمده باشد.

جامعه‌ی صغری: جامعه‌ای که از سکونت عده‌ای از افراد یک امت در یک شهر - که جزئی از محل سکونت آن امت است - به وجود بیاید.

ب- اجتماعات غیرکامل: اجتماعاتی را گویند که مردم آن به تنهایی قادر به رفع نیازمندی‌های خود نباشند. فارابی این دسته از اجتماعات را به چهاردسته‌ی ده (تجمع گروه یا قبیله، طایفه و ... در یک بخش ویژه)، محله (تجمع دسته‌ای از مردم)، کوی (تجمع تعداد اندکی از خانه‌ها) و منزل (تجمع و همزیستی اعضای خانواده باهم) تقسیم می‌کند.

۶. ویژگی‌های مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی

فارابی اجتماعی را که هدف اصلی آن همکاری در اموری است که موجب رسیدن به خیرات و نیل به سعادت هست، "مدینه‌ی فاضله" می‌نامد و آن جماعتی را که هدف اصلی آن دورکردن آدمی از سعادت و نزدیک کردن او به شرارت و بدی است را "مدینه‌ی غیرفاضله" می‌نامد (خوش‌رو، ۱۳۷۲: ۴۷). فارابی مدینه‌ی خود را مجموعه یا کلی مجسم می‌کند که اجزای آن همانند عضو آلی یا کالبد زنده به هم مرتبط‌اند. به عبارت دیگر، هرگاه عضوی رنجور شود، اعضای دیگر از خود واکنش نشان می‌دهند و به مراقبت از او می‌پردازند.

بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش زیک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دیگر عضوها را نماند قرار (سعدی)

این دیدگاه را امروزه "ارگانسیم" می‌نامند که خود از جهاتی مقدمه‌ای بر پیدایی کارکردگرایی شد. بنابراین، نظر فارابی در مورد مدینه‌ی فاضله را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

الف- اجتماع افراد انسانی از روی فطرت و همچنین از روی اراده و اختیار به منظور رفع نیازهای فردی و جمعی صورت می‌گیرد.

ب- مدینه‌ی فاضله بر اساس تعاون، مشارکت و تقسیم کار و توزیع مسئولیت‌های بین اعضای جامعه به منظور رفع نیازهای فردی و اجتماعی تشکیل می‌شود.

پ- اصلی‌ترین وظیفه‌ی حکومت، تلاش در جهت برقراری و حفظ امنیت، آرامش و گسترش شبکه‌ی آموزش و پرورش به منظور کشف استعدادها و پرورش آنها برای واگذاری مسئولیت‌های مناسب در ضمن تقسیم کار است (ساروخانی و طالبی، ۱۳۸۸: ۶۳). اجزاء و طبقات مدینه‌ی فاضله عبارتند از:

الف- افاضل: یعنی حکما و اندیشمندی که در امور و مصالح کلی مدینه صاحب رای‌اند.

ب- حاملان دین: یعنی خطیبان، مبلغان، شاعران، موسیقی دانان، نویسندگان و ...

پ- حساب‌رسان و اندازه‌گیران: یعنی مهندسان، پزشکان، منجمان و ...

ت- مجاهدان و جنگاوران و نگهبانان.

ث- مالپون: یعنی کسب کنندگان اموال مانند کشاورزان و فروشندگان (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۶۶).

۱-۶. ابتناء مدینه‌ی فاضله بر انسان

فارابی یکی از تأثیرگذارترین فلاسفه‌ی اسلامی می‌باشد که همّت خود را نه تنها در طرح‌ریزی یک مابعدالطبیعیه‌ی منسجم صرف کرده، بلکه آن را مقدمه‌ای برای ساخت جامعه‌ای الهی و عقلانی بر پایه‌ی انسان متّصل به خدا قرار داده است. در انسان‌شناسی فارابی سه نوع انسان را نسبت به هر یک از قوای مدرکه‌ی نفس می‌توان باز شناخت. «انسان حسّی»، انسانی است که در سطح حیوان است و از حسّ فراتر نمی‌رود. «انسان دارای قدرت تخیل» که از طرفی قدرت تخیل و ترکیب محسوسات غایب را دارد و می‌تواند همچون شاعری ذهن خود را پرواز دهد و از سوی دیگر می‌تواند در والاترین وجه آن همچون نبی از گذشته و آینده خبردار شود و در نهایت «حکیم فیلسوف» که فیوضات الهی به وساطت عقل مستفاد به عقل منفعل او افاضه می‌شود (صبوریان، ۱۳۹۰: ۸۰) و در جای دیگر انسان را به دو بخش آشکار و پنهان تقسیم می‌کند و می‌گوید بخش مرئی انسان شامل کالبد ظاهری و اعضا و جوارح قابل رویت انسان می‌باشد و بخش دیگر که قوی‌تر از بخش اول (بخش مرئی) می‌باشد، روح او می‌باشد که انسان را به انجام اعمال و ادراک ترغیب و تشویق می‌کند. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِمَنْقَسِمٍ إِلَىٰ سَرٍّ وَعَلَنٍ. أَمَّا عَلَنُهُ فَهُوَ الْجِسْمُ الْمَحْسُوسُ بِأَعْضَائِهِ وَانْشَاجِهِ وَ قَدْ وَقَفَ الْحَسَّ عَلَىٰ ظَاهِرِهِ وَ دَلَّ التَّشْرِيحَ عَلَىٰ بَاطِنِهِ. وَ أَمَّا سِرُّهُ فَقَوِي رُوحَهُ. إِنَّ قَوِي رُوحِ الْإِنْسَانِ تَنْقَسِمُ إِلَىٰ قَسْمَيْنِ: قَسْمٌ مُوَكَّلٌ بِالْعَمَلِ وَ قَسْمٌ مُوَكَّلٌ بِالْإِدْرَاقِ» (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۷۴). انسان در مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی اصل است و تمام ساختارهای مدینه بر پایه‌ی معرفت عقلانی-وحیانی به ساحت‌های وجودی او شکل گرفته است. این اصالت انسان در اندیشه‌ی فارابی به هیچ وجه به معنای اصالت انسان مستقل از مبدأ نیست تا او را به مثابه‌ی موجودی منقطع از مبادی خود فرض کند و جامعه را نیز بر همین اساس بنا سازد. اصل بودن انسان در اندیشه‌ی معلّم ثانی، بر فصل ناطقیّت انسان تأکید دارد. از این رو، مدینه‌ی فاضله‌ی وی هم در بُعد اخلاق، قانون، فرهنگ، معرفت و هنر و هم در تعریف مفاهیم کمال و سعادت، کاملاً بر اساس دو الگوی عقل و وحی شکل گرفته است تا انسان را از گذر زندگی روزمره در مدینه به سعادت مورد نظر فیلسوف و نبی سوق دهد (مقدم و محمدی‌اشیانی، ۱۳۹۶: ۵۱).

۲-۶. دیدگاه فارابی درباره‌ی شهروندان مدینه‌ی فاضله

فارابی مدینه‌ی فاضله را به تن آدمی تشبیه می‌کند و زعیم مدینه‌ی فاضله را در حکم قلب تن می‌داند. همچنین او می‌گوید: همان‌طور که اعضای بدن از لحاظ قوت‌های طبیعی مختلف‌اند، اعضای مدینه نیز همین‌طور است. بدین ترتیب که در آن شخصی زعامت مدینه را بر عهده دارد. در رتبه‌ی دوم و پس از رییس، اعضا و افراد دیگری هستند که مراتب آن‌ها نزدیک به زعیم می‌باشد. در رتبه‌ی سوم، شهروندانی قرار می‌گیرند که مُنقاد گروه دوم بوده و کارهای خود را بر اساس خواست آن‌ها انجام می‌دهند و شهروندان رتبه‌ی چهارم نیز از دستورات افراد بالاتر از خود اطاعت می‌کنند. این طبقه‌بندی شهروندان مدینه‌ی فاضله تا جایی ادامه می‌یابد که در نهایت، طبقه‌ای قرار می‌گیرد که افراد آن، فقط خادم‌اند، نه مخدوم. «تفاوت اعضای مدینه با اعضای بدن در این است که در مدینه، اختلاف طبقات مردمان صرفاً ناشی از فطرت‌ها و طبع بیعت‌های آن‌ها نیست، بلکه

اعمال ارادی آن‌هاست که هیأت و ملکاتی را در آن‌ها حاصل نموده و موجب اختلاف آنان شده است» (کرباسی‌زاده و ذوفقاری، ۱۳۹۳: ۸۴). همچنین وی شهروندان مدینه‌های غیرفاضله را نیز این‌گونه توصیف می‌کند: شهروندان «مدینه‌ی جاهله» سعادت حقیقی را نشناخته و در جستجوی آن نیز نبوده‌اند. این مردم اموری چون تندرستی، توانگری و بهره‌بردن از لذات مادی و هواهای نفسانی را غایت زندگی خود قرار داده‌اند و آن را سعادت می‌دانند. آراء و عقاید شهروندان «مدینه‌ی فاسقه» همان آراء و عقاید مردم مدینه‌ی فاضله است و ایشان سعادت را به خوبی می‌شناسند. اما در افعال و کردار خود به گونه‌ای دیگر عمل کرده و به‌همین جهت فاسقه گشته‌اند. شهروندان «مدینه‌ی مبدله» نیز در ابتدا آراء و عقاید شهروندان مدینه‌ی فاضله را داشته‌اند. اما با گذشت زمان عقاید آن‌ها تبدیل یافته و آراء دیگری در آن وارد شده است. مردم «مدینه‌ی ضالّه» نسبت به خداوند آراء و عقاید صحیحی ندارند و سعادت‌تی که تصور می‌کنند، غیر از سعادت حقیقی است. رییس این مدینه از جمله‌ی کسانی است که به اشتباه تصور می‌کند به مرتبه‌ی دریافت وحی رسیده است. او برای حکومت مردم از انواع نیرنگ و فریب استفاده می‌کند (فارابی، ۱۳۶۱: ۲۸۸-۲۸۶).

۳-۶. رابطه‌ی شهر و شهروندان در مدینه‌ی فاضله

اندیشه‌های فارابی درباره‌ی شهر عمدتاً در کتاب‌هایی چون «آراء اهل المدینه الفاضله» مطرح شده است. او تحت تأثیر فلسفه‌ی یونانی و به‌ویژه ارسطو، انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که بالاترین هدف در زندگی او دستیابی به سعادت است و برای این‌کار به سازمان‌یافتگی نیاز دارد که می‌تواند آن‌را در شهر یا مدینه بیابد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۵۰). از دیدگاه فارابی نظام مدینه حول سه مفهوم اساسی فضیلت، سعادت و خیر شکل می‌گیرد. وی «فضیلت» را کارهای خوبی می‌داند که انسان به‌واسطه‌ی خوبی ذاتی‌اش انجام می‌دهد. همچنین او سعادت را حقیقتی مطلوب می‌داند که به‌واسطه‌ی کمال انسانی و قرب الهی به دست می‌آید. «وَأَنَّ أَلْتَى هَمَى فِي الْحَقِيقَةِ سَعَادَةٌ لَا يُمْكِنُ أَنْ تُكُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ، بَلْ فِي حَيَاةِ الْآخِرَى» (فارابی، ۱۹۹۵: ۱۰۱). و درباره‌ی «خیر» معتقد است: «وَالسَّعَادَةُ هِيَ الْخَيْرُ الْمَطْلُوبُ لِذَاتِهِ وَكَسَبَتْ تَطَلُّبُ أَصْلًا وَلَا فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ كَيْنَالُ بِهَا شَيْءٌ آخَرَ وَكَيْسَ وَرَاءَهَا شَيْءٌ آخَرَ يُمَكِّنُ أَنْ يَنَالَهُ الْإِنْسَانُ أَعْظَمُ مِنْهَا» (همان، ۱۹۹۵: ۱۰۰). بنابراین می‌توان گفت، از نظر معلّم ثانی خیر، سعادت حقیقی است که مطلوبیت ذاتی دارد و شامل خیرهای انتسابی^۱ و اکتسابی^۲ می‌شود.

فارابی شهروندان مدینه‌ی فاضله را موجوداتی متحوّل می‌داند. از نظر ایشان، سه عامل عقل فعال، تعلیم، تأدیب و برخورداری از فطرت سالم در شکل‌گیری شخصیت فردی انسان نقش مهمی ایفاء می‌کنند. انسان‌های مدینه‌ی فاضله، تابعی از سه عامل اصلی هستند. عامل اول؛ دنیای درونی آن‌هاست که تحت تأثیر مستقیم عقل فعال، آنان را به‌سویی می‌برد که با استعدادهای شخصی و غرایزشان متناسب است و به‌سوی انتخاب‌هایی با زمینه‌ی

۱. خیرهایی که طبیعی بوده و بدون دخالت و تلاش انسان پدید می‌آیند.

۲. خیرهایی که با تلاش و کوشش انسان و در نتیجه‌ی فعالیت او شکل می‌گیرند. در این‌باره می‌نویسد: «وَلَمَّا كَانَ شَأْنُ الْخَيْرِ فِي الْحَقِيقَةِ أَنْ يَكُونَ يَنَالُ بِالْإِخْتِيَارِ وَالْإِرَادَةِ» (فارابی، ۱۹۹۵: ۱۱۳).

فردی و ذهنی سوقشان می‌دهد. این انتخاب‌ها در چارچوب نظام مدنی متعالی مورد نظر فارابی صورت می‌گیرد. عامل دوم؛ دنیایی است که ابعاد عوامل موثرش بر انسان ناشناخته است و بر او حکومت می‌کند. سومین عامل تعیین‌کننده‌ی وضع انسان‌هایی است که گردهم می‌آیند تا درجات تعالی را به اتفاق یکدیگر طی کنند، نظام اجتماعی آنان نظامی است که نابرابری‌های کاربردی تک‌تک آن‌ها را در جامعه جمعی مستهلک می‌کند و هرکس را در مسیری قرار می‌دهد که حین تعاون در همزیستی، راه پیشرفت فردی خود را از نظر دور ندارد. بیجا نیست اگر یادآوری کنیم که تحقق «اسفار اربعه» برای اهل مدینه‌ی فاضله میسر است و هر انسانی می‌تواند در طول این سفر «خلقی-الهی-خلقی» به چنان درجه‌ای از سعادت و کمال فردی و اجتماعی برسد که ماحصل گذر سی مرغ در هفت وادی منطق الطیر عطار و دست‌یابی به «سیمرغ» پیش چشمش مجسم شود. مجموعه‌ی شهروندانی که هر یک در ذات و توان‌های جسمانی خود، در فهم و قدرت درک پدیده‌ها و رسیدن به کمالات از توان‌های تحرک نابرابری برخوردارند و در نتیجه در فضای اجتماعی-فرهنگی و در فضای مکانی-کالبدی شهر خود، در سلسله مراتب و منازل متفاوتی قرار گرفته و در حرکتی مستمر پیش می‌روند و به اعتبار یا به دلیل تعلق به مدینه‌ی فاضله جز راه تعالی نمی‌پویند (فلامکی، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

۷. الگوی مشارکت شهروندی از نظر فارابی

۷-۱. مشارکت در برنامه‌ریزی و اداره‌ی شهر

فارابی جامعه را فعل انسانی می‌داند. یعنی جامعه برساخته‌ی اندیشه و عمل انسان است. لیکن نمی‌توان هر فعل انسان و هر جامعه‌ای را «فعل انسانی» و «جامعه‌ی انسانی» دانست. پس متناظر با مفاهیم «فعل انسان و فعل انسانی» دو مفهوم «جامعه‌ی انسان و جامعه‌ی انسانی» خواهیم داشت. هر جامعه اعم از این که بر ساحت عقلانی یا حیوانی انسان مبتنی باشد، «جامعه‌ی انسان» نامیده می‌شود، ولی تنها جامعه‌ای «جامعه‌ی انسانی» است که برگرفته از رأی و نظر عقل باشد (مقدم و محمدی‌اشیانی، ۱۳۹۶: ۶۵). البته فارابی معتقد است که کُمیت عقل بشری در رسیدن به جامعه‌ای سعادت‌مند می‌لنگد و ترکیب آن با عقلانیت زعیم مدینه-که متصل به عقل فعال است- جامعه‌ای سالم و ایده‌آل به وجود خواهد آورد. وی درباره‌ی این اتصال، در کتاب «آراء اهل المدینه الفاضله» آورده است: «فَيَكُونُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُوْحِي إِلَيْهِ بِتَوْسُطِ الْعَقْلِ الْفَعَالِ، فَيَكُونُ مَا يَفِيضُ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى الْعَقْلِ الْفَعَالِ يَفِيضُهُ الْعَقْلُ الْفَعَالُ إِلَى عَقْلِهِ الْمَنْفَعِلِ بِتَوْسُطِ الْعَقْلِ الْمُسْتَفَادِ، ثُمَّ إِلَى قُوَّتِهِ الْمُتَخَيَّلَةِ» (فارابی، ۱۹۹۵ م: ۱۱۶). در واقع فارابی شکل‌گیری جامعه‌ی ایده‌آل را در گرو به‌کارگیری خرد جمعی شهروندان و تبعیت آن‌ها از (عقل و اندیشه‌ی) زعیم مدینه-که متصل به عقل فعال است- می‌داند. موضوعی که در شهرسازی امروز با عنوان «نظریه‌ی برنامه‌ریزی جامع-عقلانی» شناخته می‌شود که توسط پاتریک گدس ارائه شده است. گو این‌که فارابی بسیار پیش‌تر از گدس به اهمیت خرد جمعی شهروندان و برنامه‌ریزی خردمندان در شهرها پی برده است.

۷-۲. عدالت‌خواهی

اعتراض به بی‌عدالتی و رویه‌های نادرست از بدیهی‌ترین حقوق انسانی است که در دیباچه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز آمده است. این امر به موازنه‌ی قدرت میان زُعمای و مردم منجر می‌شود (رحمت‌اللهی و آقامحمدآقایی، ۱۳۹۲: ۹۰) و بی‌عدالتی در جامعه را به میزان زیادی کاهش می‌دهد. امروزه شهرها مکان‌هایی هستند که به دلیل نابرابری و عدم توزیع متعادل خدمات و امکانات شهری به آزمایشگاهی برای تبیین مفهوم بی‌عدالتی تبدیل شده‌اند که نتیجه‌ی آن محروم ماندن بسیاری از اقشار و طبقات جامعه همچون ساکنین محلات فقیرنشین، ساکنین بافت‌های قدیمی و فرسوده‌ی شهر، افراد معلول، کهنسالان و ... از دسترسی به خدمات و امکانات شهری است که جز در سایه‌ی مساوات‌طلبی و عدالت‌خواهی شهروندان، گره از مشکل آن باز نخواهد شد. همچنین نگاه عادلانه‌ی مدیران شهری به بخش‌های مختلف شهر در توزیع خدمات و امکانات شهری، می‌تواند به بالارفتن انگیزه‌ی مشارکت شهروندان در تهیه و اجرای طرح‌های شهری بینجامد. عدالت برجسته‌ترین مفهوم در همه‌ی آرمانشهرها از جمله‌ی مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی است. بنابراین از فضایل و اوصاف مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی عدالت است. وی عدالت را این‌گونه تعریف می‌کند: عدالت آن است که همه‌ی افراد مدینه به سعادت و کمال نیکو برسند و تمام افراد حق حیات لایق به شأن خود را داشته باشند. هر عضوی از افراد وظیفه‌ی خود را به انجام برساند و تابعیت از حاکم داشته باشد و زمامدار هم متصل به عقل فعال باشد و دارای اخلاق نیکو و پسندیده. تمام افراد مدینه حقوق و وظایف دیگری را محترم بشمارند و به آن تعدی نکنند. «نظام عادلانه‌ی فارابی بر نظام هماهنگی معدل‌التقوی قرار دارد، هرچند که متأثر از افکار افلاطون و ارسطو است. اما اصول کلی اجتماعی اسلام را بر اساس توحید و طرد بت‌های فردی و اجتماعی و توکل و اعتماد بر خدای یگانه و رعایت کامل اصول شرعی مد نظر قرار می‌دهد» (ساروخانی و طالبی، ۱۳۸۸: ۷۴).

۳-۷. اخلاق‌مداری

بر اساس آموزه‌های دینی در اسلام، همه‌ی فضاها‌ی مادی و معنوی برای سعادت دنیوی و اخروی انسان و مسلمان خلق گردیده است، همچنان که فارابی هدف انسان را سعادت تلقی می‌کند و بر این موضوع تأکید دارد که مدینه‌ی فاضله انسان را به سعادت می‌رساند. به اعتقاد فارابی، مهم‌ترین متغیر در مدینه‌ی فاضله، نقش اخلاق اسلامی و مسلمانی در طراحی شهر است (بیات، ۱۳۹۳: ۱۴۴). زیرا اخلاق در دین اسلام اساس روابط اجتماعی محسوب می‌شود. بر همین اساس پیامبر (ص) هدف از بعثت خود را مکارم اخلاق ذکر کرده‌اند. اخلاق از آموزه‌های اجتماعی در اسلام است که در روابط افراد امکان تجلی می‌یابد. فارابی مانند افلاطون معتقد است که هدف اصلی از اخلاق، تحصیل سعادت است. عقاید فارابی در زمینه‌ی اخلاق را باید در کتاب او، موسوم به "رسالة فی التنبیه علی سبیل السعادة" جستجو کرد. وی در این کتاب می‌گوید: سعادت آخرین هدفی است که آدمی برای وصول به آن می‌کوشد و آنچه آدمی برای وصول به آن می‌کوشد، در نظر او خیر و غایت کمال است و سعادت بالاترین خیرهاست. هرچه آدمی برای رسیدن به این خیر کوشش کند، سعادت او کاملتر خواهد بود (ساروخانی و طالبی، ۱۳۸۸: ۷۲). از نظر فارابی اعمال انسان به دو دسته‌ی شایسته‌ی ستایش و در خور

۱. اِنِّی بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ.

نکوهش قابل تقسیم است و سعادت جز از طریق ممارست در انجام افعال خیر، آن هم به صورت ممتد قابل حصول نیست. وی فضایل اخلاقی را جزئی از قوه‌ی ناطقه‌ی فکری می‌داند و می‌گوید: «عقل عملی که شناخت مصالح جامعه بدان است و به صدور قوانینی می‌انجامد و فضایل اخلاقی (خیرخواهی برای دیگران) نیز آبخور همین فضایل فکری است. از این رو هر قدر فضایل فکری آدمی افزون‌تر باشد، از فضایل اخلاقی بالاتری نیز برخوردار خواهد بود» (فارابی، ۱۴۰۵ ق: ۵۰). احترام به قوانین یکی از وجوه آراستگی به فضایل اخلاقی می‌باشد. زیرا یکی از مشکلات و مسائلی که امروزه شهرهای ما با آن دست به گریبان می‌باشند، قانون‌گریزی برخی از شهروندان و عدم تمکین آن‌ها از قوانین و مقررات شهری می‌باشد. از آنجا که تبعیت از قوانین از وجوه اخلاق‌مندی می‌باشد، لذا در صورت گسترش اخلاق و فضایل اخلاقی در بین شهروندان، می‌توان قانون‌مداری و اطاعت از قانون را نیز در بین آن‌ها توسعه داد.

۷-۴. تعاون

فارابی مدینه‌ی فاضله را به موجودی زنده تشبیه می‌کند. او در کتاب «آراء اهل المدینه الفاضله» می‌نویسد: «مدینه‌ی فاضله همچون بدنی کامل و صحیح می‌باشد که همه‌ی اعضای آن برای ادامه‌ی زندگی حیوانی و حفظ آن، کارها را به نحو درستی انجام می‌دهند و با یکدیگر تعاون دارند» (فارابی، ۱۹۹۵: ۲۵۹). همچنان که بدن، وحدتی را تشکیل می‌دهد، در مدینه‌ی فاضله نیز اجزاء با یکدیگر مرتبط‌اند. به طوری که بعضی بر بعضی دیگر مقدم هستند و یا از برخی دیگر موخر. از نظر فارابی هدف نهایی تعاون، نیل به سعادت است و رسیدن بدان نیز جز با مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهر امکان‌پذیر نیست. وی در این باره معتقد است: «فالمدینه الّتی یقتصد بالاجتماع فیها التعاون علی الاشیاء الّتی تنال بها السعادة فی الحقیقه، هی المدینه الفاضله» (همان، ۱۹۹۵: ۱۱۳). از نظر فارابی علت همکاری و ارتباط متقابل اجزا تفاوت اهداف آن‌هاست. چنان‌که می‌گوید هدف خانه‌ها باهم گوناگون است. پس همین‌که اهداف گوناگون به کمال رسند، همکاری و همیاری برای رساندن و سازمان‌یافتن هدف شهر پدید می‌آید. بنابراین فارابی همبستگی در جوامع را ارگانیک می‌داند و معتقد است اجزاء جامعه همانند عناصر اندام انسانی با کنش‌های گوناگون خود در به کمال رسیدن و رساندن هدف این اندام بزرگ مدد می‌رسانند. آنگاه همین‌که هدف‌های گوناگون پاره‌های بزرگ به کمال می‌رسند، از کنش‌های گوناگون آن‌ها، همکاری برای رساندن و به کمال رسیدن هدف همه‌ی کالبد پدیدار خواهد شد (ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۲۱). در نتیجه می‌توان گفت از نظر فارابی، بهترین شهرها، شهری است که شهروندان آن با تعاون و مشارکت همدیگر، اعمالی را انجام می‌دهند که در نهایت سعادت شهر و شهروندان را در پی داشته باشد. یعنی محیطی انسانی و زیست‌پذیر برای شهروندان فراهم آورد. مشارکت افراد محله از طریق شورا و توجه به مسائل آموزشی، مدرسه‌سازی، کنترل مسائل اجتماعی و تعاون بین هم محله‌ای‌ها انجام می‌شود (ضرابی و علی‌نژادطیبری، ۱۳۸۹: ۲۱).

۵-۷. شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران شهری

درس دیگری که از مطالعه آثار و نوشته‌های معلم ثانی می‌توان کسب نمود این است که گرچه همه‌ی شهروندان یک شهر باید رویه‌ی خدمت و تعاون داشته باشند تا مدینه‌ای فاضله و یا به تعبیر امروزی زیست‌پذیر داشته باشند، ولی همه‌ی شهروندان یک شهر استعداد و توان اداری شهر یا زعامت آن را ندارند. بنابراین لازم است در انتخاب مدیران شهری، شایسته‌سالاری و توانمندی افراد در مدیریت شهری ملاک قرار گیرد. از نظر معلم ثانی، همان‌طور که اعضای بدن انسان دارای استعداد طبیعی مختلف و متفاوتی هستند و در مجموعه‌ی سیستم بدن انسان به ایفای نقش و وظیفه‌ی خاصی مشغولند و از قلب به عنوان ریس بدن تبعیت می‌کنند و از نظر اهمیت در مراتب بعد از آن قرار می‌گیرند. در جوامع شهری نیز افراد بالطبع مفطور به فطرت‌های مختلف و متفاوت هستند و به‌واسطه‌ی همین تفاوت در فطرت و استعداد، برخی در جایگاه بالاتر قرار داشته و شایستگی زعامت جامعه را دارند و افراد دیگر نیز که در مراتب پایین‌تر قرار دارند؛ باید وی را در رسیدن به اهداف یاری نمایند. اما فارابی تنها استعداد ذاتی را تنها عامل در انتخاب مدیر شهر ملاک قرار نمی‌دهد و معتقد است: مدیر یک شهر علاوه بر آن‌که باید دارای استعداد ذاتی و مفطور به فطرت زعامت باشد، بلکه به عامل اختیار و اراده نیز توجه داشته و آن را عاملی در کسب ویژگی‌های لازم جهت ریاست مدینه می‌داند. از نظر فارابی «کسی که از لحاظ استعداد فطری و فنی در مرتبت عالی باشد و در همه‌ی مسائلی که بالطبع آن‌ها را دارد، آموزش یافته باشد. نه تنها بر کسی که در آن فن دارای استعداد طبیعی کافی نباشد، ریاست دارد. بلکه بر کسی هم که در آن فن دارای استعداد طبیعی کافی باشد، ولی آموزش و تعلیم ندیده باشد و یا آموختگی او ناچیز باشد، نیز ریاست خواهد داشت» (سیاست مدینه، بی تا: ۲۴۳ به نقل از ابوالحسنی، ۱۳۸۷: ۲۴). وی برای زعیم مدینه‌ی فاضله دوازده شرط یا خصوصیت را مطرح می‌نماید که امروزه می‌توانند به‌عنوان ملاک انتخاب مدیران شهری قرار بگیرند. ویژگی‌هایی چون: ۱- تندرستی؛ ۲- داشتن قوه‌ی فهم؛ ۳- داشتن حافظه‌ی قوی؛ ۴- زیرکی؛ ۵- فصاحت در بیان؛ ۶- دانش دوستی؛ ۷- اندازه‌نگهداری در خور و نوش و کامرانی؛ ۸- راستگویی؛ ۹- بلندمنشی؛ ۱۰- بیزاری از پول؛ ۱۱- دادگری؛ ۱۲- دلیری و همت استوار (فارابی، ۱۳۶۶: ۲۷۱).

۶-۷. جهان‌شهری یا جهان‌وطنی اندیشیدن شهروندان

جهانی‌شدن یا دهکده‌ی جهانی اصطلاحی است که از اواخر سده‌ی گذشته و در نتیجه‌ی گسترش ارتباطات و فناوری اطلاعات شایع شد. جهانی‌شدن روندی است که در قالب گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، منجر به تشدید یکپارچگی و درهم تنیدگی مناسبات گسترده در ابعاد سطوح مختلف (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ...) میان کنشگران نو (اجتماعات مجازی، شرکت‌های چندملیتی یا فراسرزمینی) و سنتی (دولت، حکومت و مقامات اداری و اجرایی) شده است. این تأثیرات دگرگونی در مناسبات پیشین اجتماعات انسانی، افزایش حجم مراودات، فراسرزمینی‌شدن نیازها و اثرگذاری، فزاینده‌ی دامنه‌آگاهی و به تبع آن دگرگونی در مطالبات را به دنبال داشته است (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۳). امروزه در اثر جهانی‌شدن، نوسانات قیمت‌ها و ارزش کالاها بیش از آن‌که تحت تأثیر اقتصاد ملی قرار بگیرد، از تصمیمات اتاق‌های بازرگانی و بازارهای جهانی-که در

شهرهایی چون توکیو، شانگهای، لندن، پاریس، نیویورک مستقر است - و نوسانات ارزش جهانی کالاها متأثر می‌شود. در واقع می‌توان گفت که شهرها محملی برای جهانی‌شدن اقتصاد می‌باشند و رقابت کشورها در عرصه‌ی اقتصاد جهانی در واقع رقابت شهرهای جهانی آن‌هاست. پر واضح است در عصر و عرصه‌ی جهانی‌شدن، شهری موفق‌تر خواهد بود که شهروندان آن خود را متعلق به یک مجموعه‌ی سازمانی به‌هم پیوسته بدانند و خود را در سرنوشت یکدیگر و در نهایت جامعه‌ی شهری خود دخیل و مؤثر بدانند و هم‌چون اعضای بدن سالم با یکدیگر همکاری نمایند. مفهومی که فارابی از آن به‌عنوان «تعاون» یاد می‌کند. به اعتقاد فارابی، هدف نهایی تعاون، نیل به سعادت است. پس بهترین مدینه‌ها، مدینه‌ای است که مردم آن اعمالی را انجام دهند که آن‌ها را به این سعادت برساند. «این مدینه، مدینه‌ی فاضله است» و ملتی هم که در همه‌ی مدینه‌هایش چنین تعاونی حاکم باشد، ملت فاضله نامیده می‌شود (بیات، ۱۳۹۳: ۱۴۴). از نظر فارابی مدینه‌ی فاضله می‌تواند از طریق بکارگیری سایر مدینه‌ها توسعه‌یافته و به امت فاضله تبدیل شود. او در این باره آورده است: «والاجتماع الذی به يتعاون علی نیل السعادة هو الاجتماع الفاضل، والامة التي تتعاون مدنها كلها علی ما تنال به السعادة هي الامة الفاضلة» (فارابی، ۱۹۹۵: ۱۱۳). اشاعه‌ی سیره، سنت و فرهنگ فاضله در میان سایر اُمم، زمینه‌ی اشتراک و به‌هم پیوستن اُمم‌های فاضله و سرانجام پیدایی جامعه‌ی فاضله را موجب خواهد شد؛ که امامی فاضل آن را رهبری خواهد کرد و بشریت در آن هنگام به کمال نهایی خود دست خواهد یافت. نگرش جهان‌وطنانه (*Universalism*) مذکور که سعادت و کمال غایی بشریت را نهایتاً در زندگی در یک جامعه‌ی سیاسی واحد جهانی جستجو می‌کند، بدون تردید از نفوذ دیدگاه شیعی اعتقاد به امامت مهدی موعود (عج) در آخر الزمان و انتظار جامعه‌ی جهانی او، بر ذهن این فیلسوف و نظریه‌پرداز بزرگ مسلمان حکایت دارد (تقی‌زاده داوری، بی تا: ۱۳۸).

۷-۷. جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری در مفهوم عام، دلالت بر فرآیندی دارد که به انتقال و کسب ارزش‌ها، نقش‌ها و رفتارهای اجتماعی می‌گراید (رحمت‌اللّهی و آقامحمدآقایی، ۱۳۹۲: ۸۶) و با اجتماعی کردن افراد، به مشارکت شهروندی می‌انجامد. فارابی دو قوه برای جامعه‌پذیری انسان قائل است. قوه‌ی درونی که آن را فطرت می‌داند و قوه‌ی بیرونی که اکتسابی بوده و تحت تأثیر محیط و القائات جامعه شکل می‌گیرد. از نظر وی قوه‌ی اول زمینه‌ساز شکل‌گیری قوه‌ی دوّم می‌باشد و اگر تأثیرات جامعه در راستای نیروی درونی و فطری بشر باشد، مکمل هم گردیده و انسان بهنجاری به وجود خواهند آورد و اگر آموزش و تأثیرات جامعه منافی با زمینه فطری و استعدادی فرد باشد، شخصی با شخصیت نابهنجار شکل خواهد گرفت. از نظر فارابی «سرشت آدمی در آغاز آفرینش ممکن نیست دارای برتری و فضیلت و یا پستی و رذیلت باشد. بلکه آدمی برای انجام کارهای با فضیلت و والا و یا پست و فرومایه آمادگی دارد. اما فطرت و استعداد فقط انجام آن کنش‌ها را آسان‌تر و ساده‌تر از کنش‌های دیگر می‌نماید. وجود طبع خاص، علاوه بر آن که کار در آن زمینه را برای انسان آسان‌تر می‌کند، بلکه موجب می‌شود آدمی، نخستین بار در بدو زندگی اقدام به انجام آن کار نماید. مگر آن که بازدارنده‌ای او را بر

ضد و برابر همان کار وادار سازد» (فصول‌المنتزعه، ۱۳۸۲: ۱۵). در واقع «برتری‌ها و پستی‌های خوی‌ها، به سبب کنش‌های پیاپی که با گذشت زمان و به‌کارگرفتن همواره‌ی آن کنش‌ها به‌گونه‌ی عادت انجام می‌گردد، در انسان پدید می‌آید. اگر آن کنش‌ها نیکی‌ها باشند، برتری و فضیلت و اگر پلیدی‌ها باشند، فرومایگی، پستی و رذیلت در نفس انسان پدیدار خواهد شد» (همان، ۱۳۸۲: ۱۶). در هر صورت ورود در افعال و کردارهای خاصّ-ولو مغایر با فطرت اولیّه- موجب شکل‌گیری شخصیتی خاص می‌شود. اما عنصر دوّمی که نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت انسان دارد، جامعه‌پذیری است. یعنی حتماً آنان که دارای استعداد ذاتی مساوی در انجام امور مختلف هستند، در مرحله‌ی تمرین و آموختگی، در اثر اختلاف در جامعه‌پذیری، متفاضل و مختلف می‌شوند که بخشی از این تفاوت‌ها ناشی از اختلاف در فطرت‌های ذاتی افراد می‌باشد و برخی دیگر متأثر از اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه و آموزش‌های آن می‌باشد. بنابراین تربیت درست افراد و نهادینه نمودن ارزش‌ها و هنجارهای موردپسند و مورد عمل جامعه(جامعه‌پذیری) می‌تواند شهروندان صالحی را برای جامعه‌ی شهری آماده نماید.

۷-۸. اطاعت از زعیم مدینه و عمل به تکالیف

در مقابل حقوق شهروندی-که در آن دولت و دیگر نهادهای مسئول، ملزم به اعطای امتیازات و اختیاراتی به شهروندان می‌باشد-در تکالیف شهروندی، این شهروندان هستند که مقید به انجام وظایف و تکالیفی می‌شوند که در جهت منافع عموم بوده و دولت به مثابه شخصیتی حقوقی نماینده‌ی مشروع و مقبول آن اجتماع می‌باشد. از آن‌جا که تکالیف شهروندی ناشی از قانون اساسی هر کشوری می‌باشد، از ضمانت اجرایی قانونی برخوردار می‌باشد. گرچه از نظر اسلام، اطاعت و فرمانبرداری مخصوص خداوند می‌باشد، ولی اطاعت غیرخدا(از جمله حکام و قوانین وضع‌شده از سوی آن‌ها) را در صورتی که در طول اطاعت خدا بوده و منافاتی با قوانین الهی نداشته باشد، جایز شمرده‌اند. لذا حضرت علی(ع) نیز اطاعت مردم از ایشان را از جمله حقوق حقّه خود به‌عنوان حاکم جامعه دانسته و در این باره می‌فرماید: «و اما حقّ من بر شما این است که ... هرگاه فرمان دادم، اطاعت نمایند» (دستی، ۱۳۸۸: ۶۱). ایشان در خطبه‌ی «جهاد» به نکوهش کوفیان به‌علت نافرمانی از وی می‌پردازد و می‌فرماید: «ای مردنمایان، ای کودک‌صفتان بی‌خرد که عقل‌های شما به عروسان پرده‌نشین شباهت دارد. چقدر دوست داشتم که هرگز شما را نمی‌دیدم و هرگز نمی‌شناختم. با نافرمانی و ذلت‌پذیری، رأی و تدبیر مرا تباه کردید» (همان، ۱۳۸۸: ۵۳). بر این اساس فارابی، یکی از ویژگی‌های شهروندان مدینه‌ی فاضله را اطاعت و فرمانبرداری آن‌ها از زعیم مدینه دانسته و آن را عاملی در رسیدن به کمال و سعادت حقیقی می‌داند. وی اهل مدینه‌ی فاضله را گروهی انسان واجد اختیار می‌داند که مدینه، مرکز نمایش اختیار آن‌ها و تجلّی فعلیت آن است. زیرا دو عامل تعاون میان اهالی و اختیار هر یک از آن‌ها، به مدینه شایستگی نیل به کمال را می‌بخشد. اهل مدینه با صفات علم و اختیار، هدف غایی سعادت را برای خویش برگزیده‌اند و با عشق تمام به ریاست مدینه گردن نهاده‌اند تا آنان را با راهنمایی‌ها و قوانین خویش به مطلوب برسانند. برای تحصیل سعادت، دو‌گونه تکلیف از سوی رئیس بر دوش آن‌ها گذارده شده است: یکی، تکلیف عمومی برای همه‌ی اهالی مدینه

و دیگری، تکلیف خاصّ مربوط به هر رتبه و هر شغلی. فضیلت اخلاقی این اهالی، چیزی جز علم و عمل به این تکالیف و مداومت در آنها نیست (فارابی، ۱۹۹۶: ۱۲۴ به نقل از مدرّسی، ۱۳۹۱: ۸۲).

۸. نتیجه گیری

فارابی انسان را موجودی ذاتاً اجتماعی می‌داند. وی جامعه را سیستمی متشکل از ابناء بشر می‌داند که با همدیگر در جهت برآوردن نیازهایشان یاریگری و تعاون دارند. کنش و واکنش اعضای جامعه باهم و جوامع مختلف با یکدیگر موجب پایداری جوامع انسانی می‌گردد. فارابی روابط اجتماعی افراد را این‌گونه تشریح می‌کند: تشابه در خلقت و خصایص طبیعی، اشتراک در زبان، اشتراک در منزل، اشتراک در شهرها و اشتراک در محیط. او عامل اصلی در شکل‌گیری این‌گونه اشتراکات را روابط اجتماعی اعضا با هم‌دیگر و تعاون و مشارکت آنها می‌داند. بر این اساس فارابی جامعه‌ای را سعادت‌مند می‌داند که اعضای آن با یکدیگر یاری و مشارکت دارند. وی این چنین جامعه را وسیله‌ای می‌داند برای رسیدن به سعادت حقیقی و چنین جامعه‌ای را «مدینه‌ی فاضله» می‌نامد. با تدقیق در صفات و ویژگی‌هایی که فارابی برای مدینه‌ی فاضله و اعضا آن مثل شهروندان و زعیم مدینه بیان کرده است، می‌توان الگویی برای شهرهای امروز تدوین کرد. گو این که معلّم ثانی از پس قرن‌ها، مشکلات شهرهای زمان ما را دریافته و راهکار حل آنها را نیز ارائه داده است. از جمله این‌که:

مدینه‌ی فاضله‌ی فارابی دارای ساختاری متناظر با نفس انسان است و هر یک از طبقات جامعه‌ی آن با یکی از قوای نفسانی انسان متناظر می‌باشد. عقل با زعیم مدینه، خیال با خطیبان، مبلّغان، شاعران و ...، حسّ با عامه مردم و با این‌که هر یک از این اعضاء و اجزاء دارای وظایف تعریف‌شده و خاصی می‌باشند، ولی برای رسیدن به هدفی واحد (سعادت حقیقی) با یکدیگر تعاون دارند. پس می‌توان نتیجه گرفت که در جامعه‌ی امروز نیز، شهرهایی موفق خواهند بود که اصالت را به انسان یا به عبارت دیگر به شهروندان داده و با مشارکت دادن آنها در امور مختلف به سوی شهری آرمانی گام بردارند. دیگر این‌که، فارابی با برشمردن دوازده ویژگی برای زعیم مدینه‌ی فاضله، هرکسی را شایسته‌ی تصدی آن مقام نمی‌داند. در واقع رئیس یا زعیم مدینه باید شایق به کمالاتی باشد که دیگر اعضای جامعه نتوانسته‌اند بدان دست یابند و این امتیاز او را بر دیگر اعضای مدینه برتری داده و سزاوار ریاست می‌نماید. دیگر اعضای مدینه نیز موظّف به تمکین در برابر دستورات چنین زعیمی هستند. لذا با غور در این مفهوم نیز درمی‌یابیم که در انتخاب مدیران امروز شهرها نیز باید اصل شایسته‌سالاری مدّ نظر قرار گیرد و شهروندان نیز باید از دستورات او اطاعت نمایند و این یعنی مُنقادبودن شهروندان در برابر قوانین و مقرّرات حاکم بر جامعه، که تحقّق آن نیز جز در سایه‌ی پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای مورد عمل جامعه (جامعه‌پذیری) محقّق نمی‌شود.

مطالعه‌ی تطبیقی اکثر آرمان‌شهرهای ارائه‌شده در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف هم‌چون جمهوری افلاطون، سفر به ایکاری کابه، شهر خدای سنت آگوستین، یوتوپای مور، مدینه فاضله‌ی فارابی نشان می‌دهد که عدالت اصلی‌ترین مفهوم مشترک در همه آنها می‌باشد. عدالت از آن جهت در جوامع شهری اهمیّت می‌یابد که

خدمات و امکانات در شهرها محدود می‌باشد. لذا لازم است با توزیع عادلانه‌ی آن‌ها، زمینه‌ی دسترسی همه‌ی شهروندان به آن‌ها را فراهم کرد.

منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم، (۱۳۸۷)، ثبات و تحول در جامعه‌شناسی سیاسی فارابی، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۲، صص ۴۳ - ۱۷.
- احمدی، غلامحسین، (۱۳۸۰)، آرمان‌شهر دینی و آرمان‌شهر حکیم فارابی، ناشر کیهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه‌ی اصفهان.
- بیات، بهرام، (۱۳۹۳)، رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال چهارم، صص ۱۶۷ - ۱۳۷.
- پوراحمد، احمد؛ حبیبی، لیلا و جعفری مهرآبادی، مریم، (۱۳۹۱)، نظریات فارابی و کاربرد آن در باب مشارکت شهروندی، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی باغ‌نظر، شماره ۲۱، سال نهم، صص ۲۰ - ۱۳.
- تقی‌زاده‌داوری، محمود، (بی‌تا)، بررسی اشتراکات و افتراقات در فلسفه‌ی اجتماعی افلاطون و فارابی، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی دانشگاه قم، سال هفتم، شماره سوم، صص ۱۵۹ - ۱۳۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد؛ کریمی‌پور، یداله و طاهرخانی، مهدی، (۱۳۸۵)، تأثیر جهانی شدن بر هویت ملی (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)، فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم.
- حسینی، سیدهادی؛ قدرتی، حسین؛ میره، محمد و زنگنه، یعقوب، (۱۳۹۲)، پایداری شهری بر بنیان توسعه‌ی مشارکت شهروندی (مطالعه‌ی موردی: شهر سبزوار)، فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط، سال سوم، شماره ۶، صص ۶۶ - ۴۱.
- خوش‌رو، غلامعلی، (۱۳۷۲)، شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن خلدون، تهران، نشر اطلاعات.
- داوری‌اردکانی، رضا، (۱۳۸۲)، فارابی فیلسوف فرهنگ، تهران، نشر ساقی.
- رحمت‌اللهی، حسین و آقامحمدآقایی، احسان، (۱۳۹۲)، درآمدی بر نقش دولت در فرآیند مشارکت‌پذیری مردم، مجله‌ی مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره‌ی پنجم، سال سوم، صص ۱۰۷ - ۶۷.
- ساروخانی، باقر و طالبی، رضا، (۱۳۸۸)، مدینه فاضله در اندیشه ابونصر فارابی، مجله‌ی جامعه‌شناسی معاصر، سال اول، شماره دوم، صص ۸۷ - ۴۹.
- سلطان‌زاده، حسین، (۱۳۹۲)، بررسی دیدگاه‌های فارابی، ابن خلدون و بورکهارت درباره هنرهای اسلامی، مجله‌ی انسان‌شناسی، سال یازدهم، شماره ۱۸، صص ۶۸ - ۴۳.
- صبوریان، محسن، (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی علوم انسانی مسلمانان (بررسی تطبیقی انسان‌شناسی فارابی و ابن خلدون)، دو فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، صص ۸۷ - ۷۳.

- فارابی، ابونصر محمد بن محمد بن طرخان بن اوزلغ، (۱۳۶۶)، *السیاسة المدینه*، انتشارات الزهراء، چاپ اول، تهران.
- فارابی، ابونصر محمد بن محمد بن طرخان بن اوزلغ، (۱۹۹۵)، *آراء اهل المدینه الفاضله*، دارالمشرق، الطبعة السادسة، بیروت.
- فارابی، ابونصر محمد بن محمد بن طرخان بن اوزلغ، (۱۳۶۱)، *اندیشه های اهل مدینه ی فاضله*، ترجمه ی جعفر سجادی، تهران، انتشارات طهوری.
- فارابی، ابونصر محمد بن محمد بن طرخان بن اوزلغ، (۱۳۸۲)، *فصول المنتزعه*، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، انتشارات سروش، چاپ اول.
- فارابی، ابونصر محمد بن محمد بن طرخان بن اوزلغ، (۱۴۰۵ ق)، *فصول المنتزعه*، تحقیق و تعلیق فوزی نجار، چاپ دوم، تهران، مکتبه الزهراء.
- فلامکی، محمد منصور، (۱۳۸۵)، *فارابی و سیر شهروندی در ایران*، تهران، نشر فضا، چاپ دوم.
- کرباسی زاده، علی و ذوفقاری، زهرا، (۱۳۹۳)، *بررسی تطبیقی شهر خدای آگوستین و مدینه فاضله فارابی*، فصلنامه اندیشه دینی، دوره چهارده، شماره ی ۳، پیاپی ۵۲، صص ۹۰ - ۷۳.
- کوربن، هانری، (۱۳۸۰)، *تاریخ فلسفه اسلامی*، ترجمه دکتر سید جواد طباطبایی، انتشارات کویر، تهران، چاپ سوم.
- مدرسی، سیدمحمدرضا، (۱۳۹۱)، *جایگاه اخلاق در مدینه فاضله فارابی*، فصلنامه معرفت اخلاقی، سال سوم شماره چهارم، صص ۸۴ - ۷۵.
- مشکات، محمدعلی، (۱۳۸۷)، *مدینه فاضله از آرمان تا واقعیت*، مجموعه مقالات نخستین همایش آمان شهر اسلامی، دانشگاه اصفهان.
- مقدم، قاسم و محمدی ایشیانی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، *ابتناى مدینه فاضله فارابی بر اصالت انسان متصل به وحی*، فصلنامه علمی-پژوهشی حکمت اسلامی، سال چهارم، شماره اول، صص ۷۰ - ۵۱.
- نجاتی حسینی، سیدمحمود، *بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری*، انتشارات سازمان شهرداری های کشور، تهران.
- نهج البلاغه، (۱۳۸۸)، *ترجمه محمد دشتی*، تهران، انتشارات پیام عدالت، چاپ دهم.
- یوسفیان، محمدجواد، (۱۳۷۰)، *فارابی*، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۱۰.
- Clark, Peter, (1994), *Citizenship; A reader*, London, Pluto press.
- Kurmangaliyava, Galiya and Azerbayev, Aslan, (2016), *Al-Farabi's Virtuous City and its Contemporary Significance (social state in Al-Farabi's Phiosophy)*, *Anthropologist*, 26 (1,2), 88 - 96.
- Nano, Pierre, (2012), *Virtue Concept by City Term*, *Damascus University Journal*, Vol. (28), No. (1).